۶ سوال از شعیب بهمن، کارشناس مسائل بین‌الملل درباره تحولات قفقاز

ناتو از آذربایجان و ارمنستان به آسیای میانه می‌رسد

صادق امامی
دبیرگروه جهان‌شهر

سماجت‌های ترکیه برای ایجاد دالان یا کریدور زنگه‌زور هنوز به نتیجه نرسیده است اما فشارها همچنان پابرجاست. باکو و آنکارا در پی تحمیل خواسته خود بر ایروان برای این کریدور هستند اما تا به امروز، به دلایل مختلف این امر محقق نگردیده است. رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، ایران را تنها مانع ایجاد کریدور می‌داند و از همین رو هفته گذشته با یک اظهارنظر فریبکارانه، تلاش کرد به ارمنستان این پیام را مخابره کند که در صورت تداوم مخالفت، کریدور را از مسیر ایران دنبال خواهد کرد. ایران مخالف سرسخت تغییر ژئوپلیتیک منطقه است و آن را خط قرمز خود خوانده است و آمادگی هر سطحی از پاسخ را نیز به آن دارد. مقامات در تهران معتقدند زنگه‌زور، بیش از آنکه طرحی اقتصادی باشد، دالانی مملو از تهدیدات امنیتی سنگین است و درنهایت پای ناتو را به منطقه باز خواهد کرد. در این باره، شعیب بهمن، کارشناس مسائل بین‌الملل به شش سوال درباره این کریدور و پشت پرده آن پاسخ داده است. متن این پرسش و پاسخ را در ادامه می‌خوانید.

اردوغان می‌خواهد ارمنستان را تحریک کند

شما اظهارنظر آقای رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه که اگر ارمنستان برای ایجاد کریدور همکاری نکند زنگه‌زور می‌تواند از ایران عبور کند را چقدر واقعی می‌دانید؟ دلیل طرح چنین بحثی از سوی اردوغان در چنین شرایطی چیست؟

بحث آقای اردوغان، با هدف و نیت خاصی مطرح می‌شود. مسیری که آقای اردوغان به آن اشاره می‌کند، در ۳۰ سال گذشته وجود داشته و جمهوری آذربایجان برای دسترسی زمینی به نخجوان همیشه از مسیرهای ایران استفاده کرده است. حتی بخش مهمی از مراودات ترکیه و جمهوری آذربایجان برای ارتباط و اتصال زمینی با یکدیگر از مسیر ایران انجام شده است. این مسیر در سه دهه گذشته وجود داشته و هیچ خللی هم در آن به وجود نیامده است. اتفاقا مسیر بسیار بسیار ارزان و ایمنی بوده و تا به حال نه اتفاقی در آن رخ داده که بخواهد معضل امنیتی به شمار بیاید و نه اساسا ایران خیلی در پی درآمدزایی از این مسیر بوده و تقریبا آذربایجانی‌ها و نخجوانی‌ها به شکل رایگان از این مسیر استفاده کرده‌اند.

اما چرا آقای اردوغان در چنین شرایطی این موضوع را طرح کرده است؟ آقای اردوغان می‌خواهد دولت ارمنستان را تحریک کند و نگاه مشترکی که ایران و ارمنستان درباره خطرات احداث کریدور جعلی زنگه‌زور دارند را به چالش بکشد. او می‌خواهد به طرف ارمنستانی القا کند که اگر شما نجنبید و سریع وارد میدان نشوید، در اثر بی‌تحرکی و عدم پذیرش طرح، ممکن است این فرصت ترانزیتی بزرگ که می‌تواند برای ایروان درآمدهای کلانی در بر داشته باشد، نصیب ایران شود. اردوغان باور دارد که می‌تواند با طرح چنین مسائلی به یک رقابت بین تهران و ایروان دامن بزند و ایروان را مجاب کند که به این طرح تن بدهد. اردوغان این را به طرف ارمنستانی القا می‌کند که علت مخالفت ایران با احداث کریدور زنگه‌زور، ارمنستان نیست بلکه انتفاع ایران از منافع کریدوری چنین و محرومیت ارمنستان از منافع و درآمدهای ترانزیتی آن است. او با چنین رویکردی، این مساله را مطرح کرده است. واقعیت اما مسائل ژئوپلیتیکی و امنیتی است. احداث کریدور زنگه‌زور با هدف بزرگ‌تری دنبال می‌شود. هدف این کریدور، مسائل ترانزیتی و مسائل اقتصادی نیست بلکه مسائل ژئوپلیتیکی و امنیتی است که درنهایت می‌تواند باعث تجزیه و از بین رفتن یکپارچگی سرزمینی ارمنستان بشود.

زنگه‌زور ارمنستان را دو تکه می‌کند

دالانی که ترکیه و آذربایجان در ارمنستان به دنبال آن هستند با مسیری که اردوغان می‌گوید از ایران می‌گذرد، کاملا متفاوت است.

بله. ترکیه و جمهوری آذربایجان خواهان کریدوری هستند که شامل موارد مختلفی می‌شود. یعنی هم خط جاده‌ای، ریلی و خطوط انتقال انرژی از آن عبور می‌کند و هم حاکمیت هوایی برای عبور هواپیماها بر فراز این دالان یا کریدور واگذار می‌شود. به همین دلیل هم عرض کریدور در نقاط مختلف بین ۷ تا ۱۵ کیلومتر در نظر گرفته شده است. با توجه به تاکید بر حق حاکمیت ترکیه و آذربایجان بر این کریدور، کاملا مشخص است که اگر کریدور در داخل ارمنستان ایجاد شود، ارمنستان به دو نیمه شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. به مرور زمان به دلیل تراکم کم جمعیت در مناطق جنوبی، جمعیت به سمت دیگر کوچانده خواهد شد و عملا این اراضی هم به دست جمهوری آذربایجان یا ترکیه در طرح‌های دراز مدت‌تر می‌افتد. کریدور زنگه‌زور، معنایش فقط راه نیست بلکه خاک است. آنها خواهان به دست آوردن کل جغرافیای جنوب ارمنستان هستند. این می‌تواند به تجزیه ارمنستان منتهی شود. اما در مورد ایران، آنچه مورد استفاده باکو و آنکارا قرار گرفته، مسیر مواصلاتی و راهی است که به هر حال وجود داشته و ایران هم اخیرا تلاش‌هایی کرده تا پل‌های جدیدی را روی ارس بسازد و این مسیر را کوتاه‌تر بکند و بخش‌هایی از مسیر که باریک بوده را تعریض سازد.

جمع‌بندی این است که کریدور زنگه‌زور اقتصادی نیست والا راه‌های مختلف برای این تبادل وجود دارد؟

اگر مساله صرفا مساله ترانزیت و اقتصاد باشد، این ترانزیت و اقتصاد در ۳۰ سال گذشته از طریق مسیر ایران وجود داشته و این مسیر تقریبا به شکل رایگان برای دسترسی به نخجوان در اختیار طرف آذربایجانی بوده است. ایران با کمترین و پایین‌ترین هزینه این مسیر را در اختیار آذربایجان قرار داده است. پس اگر مساله صرف اقتصاد و ترانزیت باشد این راه و مسیر وجود داشته و بر خلاف جمهوری آذربایجان که بعضا مرز آستارا را می‌بندد و باعث می‌شود که صف‌های طویلی پشت مرز برای کامیون‌های ایرانی ایجاد شود و حتی برخلاف ترکیه که مرزهای مختلف از جمله مرز بازرگان را بعضا ممکن است که به دلایل گوناگون مسدود بکند یا حتی حق ترانزیت قابل توجهی وضع کند، ایران هیچ وقت کارشکنی و اختلال در مسیر انجام نداده و از این ابزارها و اهرم‌ها استفاده نکرده است. کریدور زنگه‌زور، صرفا اقتصاد و ترانزیت نیست. جمهوری آذربایجان نسبت به جنوب ارمنستان چشمداشت ارضی دارد و این موضوع را مقامات آذربایجان بارها و بارها تکرار کرده‌اند. در همین هفته گذشته و دیدار بین الهام علی‌اف و اردوغان در نخجوان، علی‌اف دوباره به صراحت از «زنگه‌زور غربی» سخن گفت. منظورش همین منطقه سیونیک یا جنوب ارمنستان است. علی‌اف مدعی شد این منطقه ازآن آذربایجان بوده و در تقسیمات شوروی به ارمنستان سپرده شده است. بنابراین مساله اصلی چشمداشت و توسعه‌طلبی ارضی برای جمهوری آذربایجان و ترکیه است. البته در پشت صحنه بازیگرانی همچون رژیم صهیونیستی، انگلیس و ناتو هم اهداف خاص خودشان را از احداث این کریدور دارند.

طراحی کلان در پی اتفاقات قفقاز

برخی تحلیلگران معتقدند این کریدور می‌تواند پای ناتو را به منطقه باز کند و تهدید امنیتی برای ایران، روسیه و چین داشته باشد. چقدر این نگرانی جدی است؟

در وهله اول باید به رویکرد کلان ناتو توجه کرد. در رویکرد کلان ناتو، مهار قدرت‌های معارض با غرب، به عنوان راهبرد کلان در دستور کار بوده است. در صدر فهرست بازیگران و قدرت‌های معارض با غرب، نام سه کشور ایران، روسیه و چین دیده می‌شود. سه بازیگری که با غرب در تعارض هستند و طرح‌هایی را دنبال می‌کنند که به ضرر غرب است. منطقه قفقاز برای اینکه دست‌کم ایران و روسیه در آن مهار شوند، منطقه حیاتی است. البته در طرح‌های کلان‌تر، ناتو معتقد است که نفوذش نباید تنها به سمت غربی دریای کاسپین محدود بماند بلکه بایستی به سمت شرق هم برود و کشورهای آسیای مرکزی را در بر بگیرد تا اهرم لازم برای مهار چین را هم در این منطقه داشته باشد. اگر نقشه جغرافیایی جهان را در نظر بگیریم حضور ناتو در قفقاز و آسیای مرکزی می‌تواند در ارتباطات و اتصالات جغرافیایی بین ایران، روسیه و چین تاثیر بگذارد و مثل خنجری باشد که در پهلوی این سه بازیگر فرو می‌رود. حضور ناتو در منطقه قفقاز می‌تواند به مهار این قدرت‌ها بینجامد. نکته مهم دیگر این است که جمهوری آذربایجان از زمان روی کار آمدن «علی‌اف»ها (حیدر و الهام) همکاری‌های بسیار نزدیکی با ناتو داشته‌اند و بارها اعلام و ابراز تمایل کرده‌اند که خواهان پیوستن به ناتو هستند. تمایل به عضویت در ناتو هم به شکل علنی ابراز شده است. در ارمنستان دولت پاشینیان یک روند روسیه‌زدایی را در این کشور آغاز کرده است. نشانه‌های آن را می‌توان هم در اظهارات و رفتار و کردار خود آقای پاشینیان مشاهده کرد و هم در مجموعه تحولات و رویدادهایی که در هفته‌های اخیر و روزهای اخیر رخ داده است. روسیه‌زدایی در ارمنستان شدت گرفته است. نکته بعدی، پیشبرد روند مذاکرات در کشورهای اروپایی و غربی است. در گذشته معمولا روسیه میانجی درجه یک بین باکو و ایروان بود، حتی در جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، درنهایت این پوتین و روسیه بودند که به‌عنوان میانجی وارد شدند و توافقنامه ۹ بندی را به هر دوطرف قبولاندند و جنگ را متوقف کردند. الان روند مذاکرات کاملا در اروپا و توسط طرف‌های غربی پیگیری می‌شود. اگر آذربایجان و ارمنستان مشکلات و مناقشات خودشان را از طریق کانال غرب حل و فصل کنند، با توجه به نگاه ناتو به این منطقه و نگاه دو کشور به ناتو، تردید نکنید جمهوری آذربایجان و ارمنستان کشورهایی خواهند بود که به سرعت به عضویت ناتو درمی‌آیند، یعنی اگر حل‌وفصل مشکلات از طریق مدار و کانال غربی انجام شود -که دارد پیگیری می‌شود- این دو کشور بعد از امضای توافقنامه صلح می‌توانند جزء کاندیداهای درجه یک برای عضویت در ناتو باشند. این موضوع می‌تواند برای ناتو مزیت ایجاد کند و این ائتلاف را به دریای کاسپین برساند. گام بعدی ناتو می‌تواند حضور در کشورهای آسیای میانه باشد. یک طرح خیلی پیچیده و کلان در منطقه قفقاز در جریان است. همه این تحولات به‌نوعی با هم پیوستگی دارند. به همین دلیل است که ما در سه سال گذشته دائما تاکید کرده ایم که اتفاقات قفقاز صرفا دعوای آذری و ارمنی نیست و طرح‌های کلان‌تری پشت صحنه است که می‌تواند بر ژئوپلیتیک و امنیت منطقه تاثیرات قابل توجهی داشته باشد.

روسیه از قفقاز جنوبی کنار گذاشته شد

بهانه جنگ روسیه و اوکراین، احتمال عضویت اوکراین در ناتو بود. نگاه روس‌ها به تحولات قفقاز جنوبی و کریدور زنگه‌زور چه شکلی است؟ مسکو چگونه می‌تواند طرفدار کریدوری باشد که پای آمریکا و ناتو را به منطقه باز می‌کند؟

روسیه تا امروز در این باره چند موضع داشته است:

۱- در ابتدا روس‌ها معتقد بودند که در توافقنامه ۹ ماده‌ای از کریدور حرفی به میان نیامده و صرفا روی رفع انسداد از مسیرهای مواصلاتی توافق شده است. تقریبا می‌شود گفت موضع روسیه تا ۶ ماهه اول جنگ اوکراین همین بوده است. مقامات روسیه هر بار که بحث کریدور مطرح می‌شد، همین موضع را اتخاذ می‌کردند.

۲- تحریم‌های غرب و مسدود شدن مسیرهای ارتباطی روسیه با غرب باعث شد که مسکو به دنبال جایگزین‌هایی بگردد. ترکیه یکی از مهم‌ترین مسیرها و جایگزین‌ها بود. امروز بسیاری از کالاهایی که از روسیه به اروپا صادر می‌شود، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم از مسیر ترکیه صادر می‌شود. روسیه در دور زدن تحریم‌ها همکاری قابل توجهی را با ترکیه آغاز کرد. در این طرح، مسکو به این نتیجه رسید که باز شدن چنین کریدوری می‌تواند ارتباطات و دسترسی زمینی روسیه به ترکیه را تسهیل کند و مسیر ارزان‌تر و از لحاظ زمانی کوتاه‌تری را برای روسیه ایجاد کند. البته هدف نهایی اروپاست.

۳- روس‌ها تقریبا از ماه ششم جنگ اوکراین موضع‌شان در مورد کریدور به‌آرامی تغییر کرد. باید توجه داشت که نگاه روسیه کاملا متفاوت است. آنها اعتقاد داشتند در این کریدور، اولا حاکمیت ملی ارمنستان باید حفظ شود- برخلاف آن چیزی که ترکیه و آذربایجان می‌خواهند- و در عین حال نظارت و کنترل بر کریدور در دست روس‌ها باشد. روس‌ها معتقد بودند اگر نظارت و کنترل کریدور در دست مسکو باشد، پای ناتو یا کشور دیگری نمی‌تواند به منطقه باز شود، چون دائما کریدور را رصد و بر آن نظارت می‌کنند.

۴- اما در حال حاضر تحولات به نحو دیگری پیش می‌رود. با گریزی که ارمنستان و آذربایجان از روسیه دارند، اگر قرار بر ایجاد کریدور باشد، به احتمال خیلی زیاد، جایی برای نظارت و کنترل روسیه باقی نخواهد ماند و مجموعه تحولات به سمت حذف روسیه از معادلات قفقاز خواهد رفت. منطق روس‌ها این بود که این کریدور می‌تواند از لحاظ اقتصادی به توسعه مناسبات و تبادلات تجاری مسکو با ترکیه- و البته در پشت صحنه با اروپا- کمک کند. آنها معتقد بودند اگر خودشان بر کریدور نظارت و کنترل داشته باشند، پای کشورهای دیگر یا نیروهای دیگر مثل ناتو به منطقه باز نمی‌شود ولی الان شرایط به‌نحوی پیش می‌رود که طرح روس‌ها با چالش‌های اساسی مواجه شده است.

ایران نیاز به اجماع ملی در مورد قفقاز دارد

ایران در این وضعیت باید چه اقدامی کند؟ راهبرد ایران در مواجهه با تحولات احتمالی باید به چه شکل باشد؟

۱- مجموعه تحولات پیرامون ایران در قفقاز یک طرح بسیار کلان است و قاعدتا ما هم در سیاست خارجی خودمان باید نگاه کلان داشته باشیم. متاسفانه در سال‌های گذشته به دلایل مختلف سیاست خارجی‌مان درقبال منطقه قفقاز، ملاحظه هر دو کشور بوده است. البته در خیلی از مواقع کفه ترازو به نفع آذربایجان سنگینی کرده است. گمشدگان این رویکرد «منافع ملی» و «امنیت ملی» ایران بوده‌اند. سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان بیشتر از اینکه منافع ملی را مدنظر قرار دهند، ملاحظات کشورهای منطقه را درنظر گرفته‌اند. این خطا و اشتباه راهبردی باعث شده امروز این تحولات و مدیریت آنها برای ما بسیار دشوار و پیچیده شود.

۲- تحولات قفقاز بر امنیت ملی و منافع ملی و ژئوپلیتیک هیچ کشوری به اندازه ایران نمی‌تواند تاثیر منفی بگذارد. در حوزه امنیتی تشدید حضور رژیم صهیونیستی، جریان‌های قوم‌گرای پان‌ترک -که در سال‌های گذشته پناهگاه‌شان جمهوری آذربایجان و ترکیه بوده- و همچنین حضور ناتو در منطقه همه مخاطراتی امنیتی هستند که برای ایران وجود دارد. به دلیل این آثار ژئوپلیتیکی و امنیتی برای ایران، ضرورت دارد تهران درکنار تعامل و همکاری با همه کشورهای منطقه و همه بازیگران ذی‌نفوذ، راهبرد مشخص و منحصربه‌فرد خود را درمورد تحولات منطقه داشته باشد. در حوزه ژئوپلیتیک، کریدور می‌تواند به حذف ایران از مسیرهای ترانزیتی یا ایجاد خفگی ژئوپلیتیکی منتهی شود. سیاست قفقازی ایران یا خطوط قرمز آن را رهبر انقلاب سه سال پیش در سخنرانی ۱۷ ربیع خودشان تبیین کردند. یکی از نکات مهم، جلوگیری و ممانعت از هرگونه تغییر ژئوپلیتیکی و دگرگونی مرزها در منطقه بود. ایشان با پی بردن به اهداف پشت‌پرده این تحولات، به‌درستی تاکید کردند ایران به وهیچ وجه اجازه تغییر مرزهای بین‌المللی و تغییر ژئوپلیتیک منطقه را نخواهد داد.

سیاست ایران در این حوزه کاملا روشن است. اگر طرف‌های مقابل بخواهند از این خط قرمز عبور کنند، قطعا با پاسخ خیلی جدی، سخت و محکم ایران مواجه می‌شوند. اگر طرف‌های مقابل بخواهند روند دیگری را درپیش گیرند و پای میز مذاکره بنشینند و بخواهند مسائل را از طریق مذاکره پیش ببرند یا بخواهند از طریق سیاسی به ارمنستان احداث چنین کریدوری و حتی تغییرات مرزی را تحمیل کنند، در آن صورت ایران باید چه کند؟ اکنون این نقطه‌ای است که در کشور نیاز به همفکری یا اجماع ملی درخصوص آن داریم. مساله مهم در اینجا مساله زمان است، چون هرچه زمان می‌گذرد، اوضاع پیچیده‌تر می‌شود و ممکن است تعداد گزینه‌هایی که ما می‌توانیم به کار بگیریم، محدودتر شود. روندی که تا امروز پیش رفته، بیانگر این است که به احتمال زیاد در زمان کوتاهی ممکن است که شاهد توافق‌هایی بین طرف‌های درگیر در منطقه باشیم و این موضوع می‌تواند از حیث زمانی برای ما دغدغه‌هایی را ایجاد کند. ایران برای اینکه بتواند در منطقه قفقاز بازیگری کند، گزینه‌هایی مختلف و همینطور دو مشکل پیش‌رو دارد: ۱- فقدان اجماع. ۲- تلاش برخی برای اولویت دادن منافع کشورهای منطقه یا منافع قومی به جای منافع ملی و امنیت ملی.

ما برای اینکه بازی‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی را در منطقه علیه خودمان به هم بزنیم، اهرم فشار بسیار زیادی داریم. مهم‌تر از این اهرم فشارها، نیاز به یک اجماع ملی در این حوزه داریم که بتوانیم به‌درستی وارد عمل شویم و ابتکارات خودمان را به پیش ببریم.

شنبه ۸ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
سردبیر:
مسعود فروغی
تلفن وفکس:
۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم